

هیئت های زنان و مبادی جنبش زنان در ایران

«از سال ۱۹۰۷ به بعد، زنان ایران اگر نگویم مترقی ترین، حداقل در شمار رادیکال ترین، زنان دنیا در آمده بودند. اگر بیان این مطلب افکاری را که قرن ها است شکل گرفته مشوش می سازد، اهمیتی ندارد. این حقیقتی است که باید پذیرفته شود.»

مورگان شوستر

داستان شوراهای نیمه مخفی زنان که در طول انقلاب مشروطه شکل گرفت، برای اولین بار به وسیله "مورگان شوستر" در سطح جهانی بازگو شد. او در کتابش: "حلق آویز کردن ایران" (۱۹۱۲)، خود را یک مشاور اقتصادی آمریکایی جوان در دولت جدید ایران معرفی می کند. "شوستر" که در طول اقامتش در ایران چندین بار به وسیله انجمن های زنان مدد شده بود، در باره سهم بزرگ زنان در پیشروی انقلاب با دیدی تحسین آمیز، مطالب زیادی نوشت. او کاملاً مطمئن بود که زنان با حجاب ایران که "با تجربه ای ناچیز یا اندک"، ناگهان تبدیل به آموزگار، روزنامه نویس، بنیانگذار کلوپ زنان و سخنران در مسائل سیاسی شده بودند، به دستاوردهایی رسیدند که برای جنبش زنان غرب، دهه ها یا قرن ها طول کشید تا در این سطح، پیشرفت داشته باشند.^۱

حدود شصت سال بعد، سه مورد تحقیقاتی در ایران- به وسیله بدرالملوک بامداد، پری شیخ الاسلامی و فخری قویمی- توانست اطلاعات جدیدی در باره رهبری زنان

^۱. شوستر، "حلق آویز کردن ایران"، ص ۱۹۱-۱۹۳

در آن جنبش اولیه، در اختیار ما بگذارد.^۲ آن چه که به هر حال توانست فصلی تازه و امروزی در داستان تقریبا از یاد رفته انجمن های زنان باز کرده و ضرورتی در بازگویی در باره ریشه های بومی فمینیسم ایرانی را برای جهانیان، احساس کند، همان انقلاب بین سال های ۷۹-۱۹۷۸ بود. یک بار دیگر و برای مدتی کوتاه، شکل جدیدی از دموکراسی با پایه توده ای در کشور جلوه گر شد که خیلی از انجمن ها و مؤسسات زنان را در بر می گرفت.^۳ تظاهرات تاریخی صدهزار زن در روزهای ۸ تا ۱۲ مارس ۱۹۷۹، هم مقاومت و مبارزه جویی زنان را در مقابل سیاست های خمینی که دستور برگرداندن حجاب را صادر کرده بود و توانسته بود تعداد قابل ملاحظه ای از زنان را در طرفداری از حجاب به خود جلب کند- و هم در مقابل سیاست های رئیس جمهور فرنگ رفته اش بنی صدر که از خط مشی او حمایت می کرد- به نمایش گذاشت. آزادی خواهان حقوق زن همچنین مجبور بودند که با خیلی از چپی ها نیز که با خواسته های آن ها مخالف بودند و یا به آن ها اعتنائی نداشتند و می گفتند که فمینیسم یک "پدیده غربی" است و نه یک جنبش بومی و این که این حرکت "بورژوائی" است و بنابراین "متضاد" با مبارزه ملت علیه شاه و حامیان غربی

^۲. رجوع شود به "بامداد"، "از ظلمت به روشنائی" و "بامداد"، "زنان ایران". این دو مقاله با انتباغ بسیاری که بر هم دارد، باید با احتیاط خوانده شود، زیرا که در بحث هائی که در باره دوران پهلوی شده، اشتباهاتی وجود دارد. نویسنده می خواسته به دوران پهلوی با حمایت از جنبش توده ای زنان ایرانی، اعتبار بخشد. هم چنین رجوع شود به "شیخ الاسلامی"، "زنان روزنامه نگار"، قویمی "کارنامه زنان".

^۳. ضمن تحقیقات بر لیست مؤسسه های زنان آن دوره که برخی خود را "انجمن" می خواندند، تاریخ پیشین تری نیز زنده گردید. رجوع شود به "سازمانهای زنان در ایران" در طبری و یگانه، «در سایه اسلام»، ص ۲۰۱-۲۳۰.

او، در افتاده و در مقابل شان بایستند.^۴ برداشت های "شوستر" به وسیله جنبش تازه زنان ایران، بار دیگر زنده شد، زیرا که این جنبش به تحقیقات در زباله دان تاریخ برای یافتن مبادی فمینیسم در ادبیات سیاسی ایران دامن زد.

هما ناطق نوشته های دو مدافع مسائل زنان اواخر قرن نوزدهم به نام های: "بی بی خاتم استر آبادی و تاج السلطنه" شاهزاده قاجار را که با انجمن های زنان همکاری می کرد^۵ و مطالعات عبدالحسین ناهید را که بر روی تاریخ فعالیت های زنان

^۴. طرفداران بین المللی تظاهرات زنان شامل اشخاص معروفی هم چون "کیت میلن" که داستان مستندی را در "سفر به ایران" در باره تظاهرات زنان نوشته، می شوند و "سیمون دو بوآنیه" پیام همبستگی فرستاد، و "رایا دونایوسکایا" فمینیست که هم دانشمند مارکسیست و اومانیست بود، پیام زیر را به ایران فرستاد: "در بهار ۱۹۰۸- زمانیکه همه در باره انقلاب مشروطه ۱۹۰۶ حرف می زنند و انجمن زنان (شوروی) در تهران هنوز هم خیلی فعال بود- کارگران پوشاک نیویورک روز ۸ مارس را روز زن اعلام کردند سال بعد در دفاع از تعطیل کردن کارخانه زیرپیراهن دوزی، حرکت توده ای که قیام ۲۰۰۰۰ نفر نامیده شد، روحیه ای داد به جنبش زنان کارگر آلمان به رهبری کلارا زتکین که به "بین الملل مارکسیستی" پیشنهاد دهد تا ۸ مارس "روز بین المللی زن" اعلام کنند. امروز شما- زنان شجاع ایران- فصل تازه ای را در انقلاب ۱۹۷۹ گشودید." رجوع شود به "دونایو سکایا"، "آزادی زنان" ص ۲۳۴- ۲۳۵ رجوع شود هم چنین به انشای او "ایران: پرده برداری از تضادهای انقلاب" در همان کلکسیون.

^۵. ناطق "نگاهی به برخی". انشای بی بی خاتوم که در پاسخ به انشای دیگری که به وسیله یک اشراف زاده قاجار نوشته بود، تهیه و برای اولین بار به وسیله یکی از همکاران من در "جامعه تاریخی زنان ایران" منتشر گردید. رجوع شود به "جوادی"، "مرعشی"، "شکار نو"، "زن و مرد"، "رویا روئی". خاطرات تاج السلطانه به وسیله "منصوره اتحادیه نظام مافی" و "سیروس سعدوندیان" منتشر شد (تهران، نشر تاریخ ایران ۱۹۸۲).

انقلابی اواخر قرن نوزدهم و اوایل این قرن بود، تمرکز داشت^۱ و مقاله منگول بیات تحت عنوان "زنان و انقلاب در ایران، ۱۹۰۵-۱۹۱۱" که سند مباحثات بر روی مسأله رأی زنان در انتخاب در دوره دوم انقلاب مشروطه بین سال ۱۹۰۹ و ۱۹۱۱ بود^۲ را به بحث گذاشت.

در طول تحقیقات برای این فصل و ضمن برخورد با نامه ها، مقالات، گزارش های تازه تازه باز یافته شده که به وسیله زنان در دوران انقلاب مشروطه نوشته شده بود، برای من روشن شد که ریشه های فمینیسم امروزی در ایران، در همان انقلاب اولیه که در اوائل قرن بیستم به وقوع پیوست، نهفته است، زنان فعال در این زمینه که اغلب از اقصاء مرفه جامعه بودند، شروع به سازماندهی خود در انجمن ها کرده و مدارس جدید دخترانه، کلاس های سوادآموزی، کلنیک های بهداشتی و درمانی و انستیتوهای گوناگون را باز کردند. این زنان برای این کارهای خود، هیچ گونه کمک مالی از دولت جدید که آشکارا مانع حضور زنان در صحنه های سیاسی می شد، دریافت نکردند، با وجود این علیرغم تعداد کم اشان، موفق شدند که تغییرات مهمی را در زندگی خیلی از زنان شهری بوجود آوردند.

چند زن روشن فکر، رهبری جنبش مشروطه را با خصلت مرد سالارانه اش زیر سوال برده و در مقابل جناح متعصب علما، به خصوص "شیخ فضل الله نوری" که

^۱. "ناهید"، "زنان ایران"، "روایتان"، "تاریخ مبارزات زنان ایران"، رجوع شود هم چنین به "بهار" "گذشته تاریخی"، "نشاط"، "زنان در دوران قبل از انقلاب در ایران"، "عیاری" در باره ریشه های فمینیسم و "عیاری" بحث در باره آزادی زنان در انقلاب مشروطه ایران، ۱۹۰۶-۱۹۱۱ در اثری از "شریل جانسون- اودیم و مارگارت استروبل" به نام "گسترش مرزهای تاریخ زنان"، انشاهائی در باره زنان جهان سوم (بلومینگتن: روزنامه دانشگاه ایندیانا- آمریکا، ۱۹۹۲) ص ۱۰۱-۱۲۱ که بعضی از مطالب آن در تهیه این فصل بکار رفته است.

^۲. رجوع شود به "بیات" "زنان و انقلاب".

فتوایی علیه مدارس دخترانه صادر کرده بود، ایستادند. با وجودی که این زنان طرفداران محکم مجلس بودند، اما اغلب آن‌ها در انجمن‌ها از فعال نبودن نمایندگان در مسائل اجتماعی و اقتصادی انتقاد کرده و خواهان داشتن فرصت و حق دخالت در ایجاد رفرم‌های ملی شدند. بین سال‌های ۱۹۰۹ تا ۱۹۱۱ زنان دیگری در رابطه با مسائلی مبارزه نمودند که امروزه ما به آنها خواسته‌های فمینیستی خطاب می‌کنیم، مانند انتقاد از حق طلاق آسان و حق چند همسر برای مرد.

چند تن از روشن‌فکران مرد، از قبیل روزنامه‌نگارها، شعرا و نمایندگان مجلس، در این دوران به دفاع از حقوق زنان بلند شدند. طنزهای دهخدا در "سوراسرافیل" (۱۹۰۷-۱۹۰۸)، سُرّایه‌های ایرج میرزا و مقاله‌های چند نویسنده در "حبل‌المیتن" (۱۹۰۷-۱۹۰۹)، "مساوات" (۱۹۰۷-۱۹۰۸) و "ایران نو" (۱۹۰۹-۱۹۱۱) همبستگی خود را با مسائل زنان بیان داشتند و نهایتاً فعالیت چند نماینده مجلس، مانند "وکیل‌الرعیایا" و "تقی‌زاده"، اگر چه در به دست آوردن حمایت بنیادهای دولتی کمک نکرد، اما قابل ملاحظه و استثنائی بود، به خصوص در مقایسه با حمایت‌های ناچیزی که زنان از رهبران مرد انقلاب ۷۹-۱۹۷۸ به دست آوردند.